

بدرود

آقای دبیر کل

دی‌ماه ۱۳۹۲ که برای پذیرش مسئولیت اجرایی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران دعوت به همکاری شدم، با کمال میل، از صمیم جان، با افتخار، و بدون هیچ قید و شرطی پذیرفتم. تنها یک ملاحظه داشتم؛ و آن هم، اطمینان از رضایت قلبی زنده‌یاد محمد منیری، دبیر کل وقت انجمن، بود. به‌رغم ابلاغ با واسطه‌ی رضایت‌مندی ایشان، دلم باز آرام نمی‌گرفت. پس در اولین فرصت حضوری خدمتشان رسیدم که از زبان خودشان بشنوم. کسانی که زنده‌یاد منیری را از نزدیک می‌شناختند همگی شهادت می‌دهند که او عمیقاً و خالصانه عاشق انجمن بود. من در دوران کاریم با کمتر کسی برخورد داشتم که همانند او این چنین قلبش برای سازمانش بتپد. دوری از معشوق برایش سخت بود. ولی چون جز به صلاح انجمن نمی‌اندیشید، از صمیم قلب راضی به این تغییر بود. هر کاری که از دستش برمی‌آمد هم انجام داد که این تغییر موفقیت‌آمیز باشد. در تمام پنج سال و چند ماه گذشته نیز هیچ‌گاه پشتیبانی خود را از انجمن دریغ نکرد، و ما همواره از برکت وجود و دلگرمی‌های پیوسته‌شان بهره‌مند بودیم. آخرین بار که صدای گرمشان را شنیدم، تماس گرفته بودند تا از بابت عدم حضور در همایش اخیر انجمن عذرخواهی کنند! این حد از دل‌بستگی، احترام، و ارادت آن زنده‌یاد به انجمن حیرت‌انگیز بود. او در مواجهه با انجمن مصداق بارز فلسفه‌ی دهش بود. انجمنی که پاینده‌ترین نهاد حرفه‌ای حسابداری ایران است.

قریب به نیم قرن از آغاز فعالیت انجمن می‌گذرد. ولی از آن جا که اقتصاد ایران و به تبع آن حرفه‌ی حسابداری ایران طی این سالهای دراز دوران پرتلاطمی را پشت سر گذاشته‌اند، حرفه، و به تبع آن، نهادهای حرفه‌ای حسابداری ایران آن طور که باید و شاید توسعه نیافته‌اند. البته آغاز پیدایش حرفه‌ی حسابداری ایران بسیار نویدبخش و امیدآفرین بود. در دهه‌ی ۱۳۴۰، که صنعتی‌شدن اقتصاد ایران شتاب گرفته بود، اهمیت حسابداری، گزارشگری مالی، و خدمات اطمینان‌بخشی (حسابرسی مستقل) در بافتار اقتصاد ایران، در نتیجه‌ی نقش‌آفرینی تاثیرگذار دو حسابدار برجسته، زنده‌یادان محمد مهدی سمیعی

(رئیس کل بانک مرکزی) و ابوالقاسم خردجو (مدیرعامل بانک توسعه‌ی صنعتی و معدنی ایران)، در حال فرونی بود. راه‌اندازی بورس اوراق بهادار تهران توسط آن دو زنده‌یاد نیز مزیدی بر علت شد و بر اهمیت این حرفه‌ی نوپا افزود. حرفه‌ای که به مرور با تاسیس موسسات حسابرسی ایرانی و ورود نمایندگی‌های موسسات بزرگ بین‌المللی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت، و با تاسیس انجمن حسابداران خبره‌ی ایران در ۲ اسفند ۱۳۵۱ نیز رویای راه‌اندازی انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری در کشور محقق شد. با این حال، حوادث تاریخ معاصر ایران در قریب به نیم قرن پس از آن، چنان رقم خورد که امروز به‌رغم بزرگ‌تر شدن اقتصاد کشور و راه‌اندازی صدها هزار واحد تولیدی و صنعتی و بازرگانی، حرفه‌ی حسابداری ایران از توسعه‌ی متناسب با این تغییرات باز مانده است. امروز، شمار حسابداران رسمی شاغل در حرفه چیزی حدود هزار و اندی، تعداد موسسات حسابرسی که شمار قابل توجهی از آنها موسسات کوچک و حتی بسیار کوچک هستند چیزی حدود دویست و اندی، و مجموع کارکنان حرفه‌ای شاغل در این موسسات کمتر از بیست هزار نفر هستند. این در حالی است که طی سالهای اخیر، دانشجویان حسابداری بزرگترین جامعه‌ی دانشجویی کشور را تشکیل داده‌اند و هر سال قریب به یکصد هزار نفر از آنان در مقاطع مختلف تحصیلی دانش‌آموخته می‌شوند. ولی هنوز شمار اعضای انجمن حسابداران خبره‌ی ایران پس از قریب به نیم قرن فعالیت چیزی حدود ده هزار نفر است! در چنین وضعیت نامتناسبی که مولود شرایط نامتناسب اقتصاد کشور است، و ده سال پیش و بیست سال پیش و سی سال پیش، به همین منوال و شاید وخیم‌تر از امروز بود، یکی از دشوارترین کارها انجمن‌گردانی است. کار دشواری که بزرگان انجمن از جمله زنده‌یاد محمد منیری با فداکاری خالصانه‌ی خود به آن پرداختند و چراغ این نهاد حرفه‌ای را تا به امروز روشن نگه داشتند. به امید آن که در فردای بهتر برای اقتصاد ایران، بستری مناسب برای ارائه‌ی خدمات متنوع حسابداران فراهم شود، و میراث بزرگان و پیشگامان این حرفه‌ی ارزش‌آفرین را امانتدارانه به آیندگان منتقل کنند. یاد و خاطره‌ی همه‌ی بزرگان انجمن گرامی باد؛ و بدرود آقای دبیر کل.



محمد قاسمی